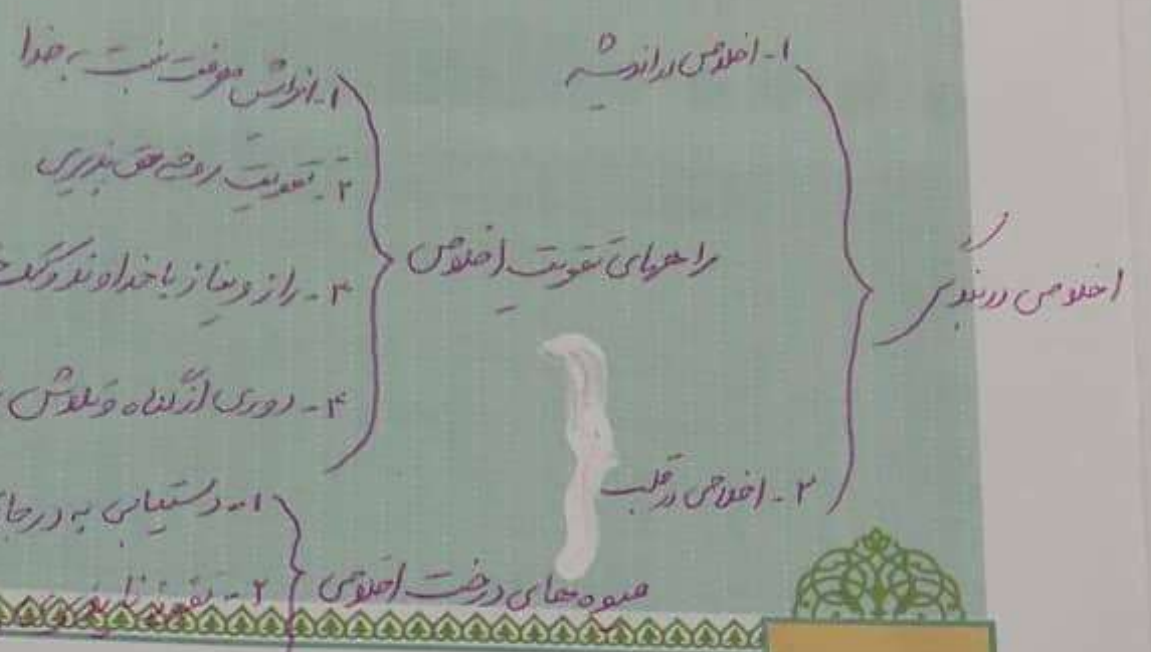


به فضائل اکسار در اسبابی فکر کنیم...



## فقط برای او وقت با ارزشی و صرف ناشی

اخلاص در بندگی = توحید عبادت

به کدام موضوع از

خالصانه کردن کار برای خدا عبارت است

بگو همانا نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است. در درس گذشته با سبک زندگی توحیدی و نیز آثار سوء شرک در زندگی آشنا شدیم. اکنون شایسته است بدانیم چگونه می‌توان به سوی پرستش خالصانه این خدای بی‌همتا گام نهاد و یک زندگی توحیدی را تجربه نمود و اندیشه و قلب و عمل را برای او قرار داد و آن‌گونه که خداوند می‌پسندد زندگی کرد.

- ۱- بزرگان صحنه نزاع من کدام جهت تیرهاست؟
- ۲- وظیفه آنان در اجابت درخواست بندگی خدا از سوی چیست؟
- ۳- میزان بشردی آنان در مسرتندگی و اخلاص چه تأثیر دارد؟
- ۴- راههای بشردی در مسرتندگی کدامند؟
- ۵- خضوع در مقابل حق دارای چه نتایجی است؟
- ۶- کسانی که حق بندگی نیندند، چگونه راه ورود حق را بر روی خود می‌بندند؟
- ۷- تقسیم باسخ دل به هوی چیست؟

سؤال

۱- اقل ان صلاتی و شكی و محبای و منانی لله رب العالمین، سورة انعام، آیه ۱۶۲.

۱) منظور این است که انسانها به صورت فردی یا در صورت اجتماعات خداوند را بخیزند و اقدام کنند. اما نماز، مطالعه کتابهای دینی، امر به معروف و نهی از منکر (تذکرات فردی) و غیره تمام اینها را در بر میگیرد. برای اینها سعادت و شکر (تذکرات فردی) و غیره در نظر گرفته شده است. **تذکره در قرآن**

خداوند بی نیاز که جز کمال و سعادت بندگانش را نمی خواهد، در کلامی به پیامبر می فرماید:

**قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِيًّا وَفِرَادِيًّا...**

(به سزایم) بگویم شما را تنها یک چیز است که من به شما توصیه می کنم، [آنست که] ایستادگی کنید برای خداوند و تنها یک چیز است که من به شما توصیه می کنم، [آنست که] ایستادگی کنید برای خداوند.

در آیه دیگری می فرماید: **(تَوَهَّمُوا قِيَامَ خَالِعَةٍ بِمِرَّةٍ وَفِرَادِيًّا)** نه ایستادگی سلطان

**أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۗ وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ** <sup>۱</sup> (بنی آدم! من به شما وعده دادم که عبادت شیطان را نپسندید و او دشمن آشکار شماست! و این راه مستقیم است.)

این فرموده از آدم، آیا اندک زمان نبرد بودم، شیطان را نیز بسپردم او دشمن آشکار شماست! و اینکه مرا بپرستید که این راه مستقیم است.

با تفکر در این آیات توضیح دهید که: **۱- مقصود از قیام جمعی و قیام فردی چیست؟ برای هر کدام نمونه هایی ذکر کنید.**

**۲- آیا میان عبارت «فقط مرا بپرستید» و «فقط برای خدا قیام کنید» رابطه ای می بینید؟ توضیح دهید.**

بله - یکی از معانی توحید در پرستش خدای قیام است یا حالتی برای خداست

فلاً آموختیم که **هدف خلقت انسان تقرب به خداست** و این تقرب جز بلسعی و تلاشی خود انسان

به دست نمی آید. (انسان، همواره بر سر دوراهی **بندگی خداوند** و **بندگی هوای نفس** و شیطان قرار دارد و

زندگی، صحنه انتخاب یکی از این دو راه است) آن کس که راه توحید را برمیگزیند و در پی آن اندیشه

و دل و عمل خویش را برای رضای حضرت دوست قرار می دهد **خطراتی** او را تهدید می کند و احتمال

انحراف از توحید برای او هست. در روایتی از پیامبر اکرم **آمده** است که راهیابی شرک به دل

انسان از راه رفتن مورچه ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان تر است. **پس باید بینیم**

چگونه از حریم اندیشه و دل یاسبانی کنیم تا آفت شرک به آن راه نیابد و عمل ما خالص برای خداوند

**انجام شود.** (در روایتی از پیامبر اکرم **آمده**) **راهیابی شرک به دل انسان پنهان تر از راه رفتن مورچه ای سیاه است**

تا در این برده جز اندیشه او نگذارم **یاسبان حرم دل شده ام شب همه شب**

با که گویم که بگوید سخنی با یارم **چون تو را در گذر، ای یار، نمی یارم دید**

**پیامبر آید**

۱-سوره سبأ، آیه ۴۶.

۲-سوره یس، آیه ۶۰ و ۶۱.

۳-الغزالمشور، سیوطی، ج ۲، ص ۳۱.



دوش می گفت که حافظ همه روی است و ریا

به جز از خاک درش، با که بود با زارم

۲- اخلا

علاوه

اعتقاد ق

همان طو

نمی کند

بنابر

خداوند

خود ر

نمی گر

نیست

و

ا

تفک

اخلاص چه معناست؟

اخلاص در بندگی کبریا

اخلاص به معنی خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن است. این کلمه در کاربرد دینی

بدین معناست که شخص اندیشه و دل خود را حایگاه خدا کند و عملش را فقط برای رضای خداوند و همان گونه که او دستور داده است، انجام دهد. (در اسلام) اخلاص شرط قبولی تمامی اعمالی است که

فرد به درگاه خداوند عرضه می دارد) مراتب بندگی افراد در اسلام چیست؟

(اخلاص مانند دوست داشتن، سخاوت، شجاعت و هر عمل قلبی دیگر درجات و مراتبی دارد. همان گونه که در ارزش گذاری طلا، عیار یا درصد خلوص آن اهمیت دارد، اعمال انسان نیز هر چه با

اخلاص بالاتری همراه باشد، ارزش بیشتری دارد. مهم این است که انسان تلاش کند تا اندیشه و عمل خود را روز به روز برای خداوند خالص تر گرداند) بر همین اساس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مؤمنان، با توجه به مراتب اخلاصشان، بر یکدیگر برتری پیدا می کنند.»<sup>۲</sup>

در سخنی هم امام صادق علیه السلام به یکی از مراتب بالای اخلاص چنین اشاره می کند:

«عمل خالص آن عملی است که دوست نداری کسی جز خداوند به خاطر آن کار، تو را ستایش و تمجید کند.»<sup>۳</sup>

پیام هر دو چیست؟ اهمیت اخلاص در بندگی در بندگی

اخلاص دو گونه است: اخلاص در اندیشه و اخلاص در قلب.

در سخن امام صادق علیه السلام عمل خالص حق تعالی عمل است؟

### ۱- اخلاص در اندیشه را توضیح دهید

برای اینکه عمل برای خداوند خالص شود لازم است نخست اخلاص در اندیشه تحقق یابد. فردی که به خداوند اعتقاد دارد باید بکوشد فکر و اندیشه خود را در این زمینه تقویت کند به طوری که همه امور خود و عالم را به دست خدا ببیند و بداند که خداوند مدبر و اداره کننده همه امور جهان است و هیچ واسطه و سببی جز به اذن و اراده او عمل نمی کند. این معنا، همان مفهوم مراتب توحید، بخصوص توحید در ربوبیت است که در درس های قبل بدان پرداختیم.

ایا اخلاص هم در دایره رفا است؟

۱- غزلیات، حافظ، غزل شماره ۳۲۴.

۲- «بالاخلاص تتفاضل مراتب المؤمنین» میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۷۵۴.

۳- «العَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَخْدَمَكَ عَلَيْهِ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»، کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۶.



## ۲- اخلاص در قلب را توضیح دهید.

علاوه بر این انسان باید تلاش کند آنچه را که از توحید در اندیشه و عقل خود پذیرفته است، به یک اعتقاد قلبی و درونی تبدیل کند و با آن انس قلبی برقرار نماید تا در رفتار و کردارش مؤثر باشد. زیرا، همان طور که سال های قبل آموختیم، برای اینکه به یک سخن درست عمل کنیم پذیرش عقلی آن کفایت نمی کند، بلکه آن سخن باید در قلب و دل ما نفوذ کند، یعنی قلب نیز تسلیم آن شود.<sup>۱</sup>

بنابراین، انسان مؤمن می کوشد قلبش را خانه خداوند مهربان کند و تنها به او دل ببندد و با آنان که خداوند سفارش کرده است انس قلبی داشته باشد.<sup>۲</sup> همچنین او تلاش می کند نیت های درونی و قلبی خود را الهی کند زیرا تا نیت و قصد قلبی انسان از انجام یک عمل خدایی نشود، آن عمل، خدایی نمی گردد و خالصانه نمی شود. به همین جهت رسول خدا ﷺ می فرماید:

نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ<sup>۱</sup> نیت مؤمن از عمل او برتر است. پیام: اهمیت نیت و قصد قلبی عمل و نیز به خاطر همین جایگاه مهم و ارزشمند نیت و قصد قلبی است که ایشان فرمود:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ<sup>۲</sup> همانا اعمال انسان وابسته به نیت های اوست.

### تفکر در حدیث

انجام دهنده کار خیر، از آن عمل خیر برتر است و انجام دهنده کار شر از عمل شر برتر است.<sup>۱</sup> امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

فَاعِلُ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِنْهُ؛ وَ فَاعِلُ الشَّرِّ، شَرٌّ مِنْهُ.<sup>۲</sup>

در این سخن حکیمانه تفکر کنید و رابطه آن را با اخلاص در اندیشه و قلب توضیح

دهید. عمل خیر برآمده از اندیشه و باور خالصانه خیر است پس خود را از عملش بالا بر است. عمل شر برآمده از اندیشه نامسلم و قلب گنجه کار خیر خدایی است.

و نظر درستی و صحت عمل را بنویسید. پس خود را در سر برتر از عملش است.

انسان مؤمن، علاوه بر اینکه می کوشد نیت خود را خالص کند و عمل را به خاطر خدا انجام دهد، تلاش می کند عمل را همان گونه که خداوند دستور داده است انجام دهد. یعنی عمل را از جهت کمیت،

۱- در این باره نیز در سال های قبل صحبت کردیم و توضیح دادیم که مثلاً برخی می دانند سیگار بد است ولی به این دانسته خود پایند نیستند علش آن است که قلب آنها تسلیم این حقیقت نشده است و از کشیدن سیگار متغیر نیستند.

۱- اصول کافی، کلیتی، ج ۲، ص ۸۴.

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۱۱.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۲.



الف با حشره مورد برای خوردنهای **حسن فعلی دارد** اما حسن فاعلی ندارد.  
 ب کسی برای رضای خداوند در سفر احواف بود اگر چه آنوقت تفاوت می کند اما از  
 روی ناآگاهی بر نماند بلکه کار معنی می کند.

۱

تصویق  
 کیفیت، زمان، مکان و شیوه همان طوری انجام دهد که خداوند می خواهد (مثلاً اگر خداوند امر فرموده  
 که نماز صبح در دو رکعت و با یک رکوع و دو سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود.  
 انسان مؤمن نیز تلاش می کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صحیح و درست انجام داده  
 باشد. **معمل چند جنبه دارد؟ (چند حسن)**  
 حسن فاعلی و حسن فاعلی باشد.

بس در هر عملی باید دو «حسن» موجود باشد: **حسن فاعلی و حسن فعلی**. حسن فاعلی بدین  
 معناست که انجام دهنده کار، دارای معرفت درست و نیت الهی باشد. حسن فعلی نیز بدین معناست که  
 کار به درستی و به همان صورت که خدا فرمان داده است انجام شود.

۲ **تطبیق**  
 غیر تمام کارهای عبادی با بر نیت قریب الی و عمل به رسورات خداوند انجام گیرد  
 (حسن فاعلی ندارد)

با توجه به تعریف بالا از حسن فاعلی و حسن فعلی، موارد زیر را بررسی کنید:  
 ۱- آیا ممکن است عملی دارای حسن فعلی باشد اما حسن فاعلی نداشته باشد؟ و یا برعکس،  
 حسن فعلی نداشته باشد ولی دارای حسن فاعلی باشد؟ مثال بزنید.  
 ۲- اگر فردی برای لاغر شدن و یا سلامت جسم روزه بگیرد روزه اش درست است؟  
 ۳- اگر کسی به نیت نماز جماعت مسجد از منزل بیرون آید و به دلیل مانعی نتواند به مسجد  
 برسد، آیا نزد خدا پاداش دارد؟ به چه دلیل؟ در این کار کدام یک از اقسام حسن وجود دارد؟

۳ **بررسی**  
 بله - چون مهم نیت قرار است. صلیق فرموده **بیا مبر نیت مؤمن از عمل او برتر است**  
 پس او بر دلیل نیت که راسته، پاداش نماز جماعت را برده است.

با توجه به اینکه ریا در مقابل اخلاص قرار می گیرد، بررسی کنید که هر یک از موارد زیر  
 مصداق ریا قرار می گیرد یا مصداق اخلاص.  
 ۱- حضور در نماز جماعت **در وجه دارد** اگر برای ظاهر سازی یا شد مصداق ریا است.  
 ۲- پوشیدن لباس تمیز و زیبا، برای حفظ احترام خود **در وجه دارد** عمل نه در وجه ریا قرار می گیرد و مصداق  
 ۳- کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران.

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴ } **راه های تقویت اخلاص را نام ببرید**

برای تقویت اخلاص در وجود خود راه هلی وجود دارد که چند مورد از آن را در اینجا می آوریم:  
 ۱- افزایش معرفت نسبت به خداوند: بیوند محکمی میان معرفت به خداوند و ایمان به او وجود  
 علفی کردن در صورت راسته و صرونیت الی در آن تسویق و رعیت دیگران به عمل غیر  
 از پاداش گاه هم **و بهتر است** ولی اگر به قصد خودنایی باشد ریا است.



حسن تقوی معلول (دیوار و تابع) حسن ما علی است.  
افزایش آینه روش و عبودیت معلول افزایش معرفت و ایمان به خداوند است.

دارد. همچنین ارتباط دقیقی میان ایمان به خدا و اخلاص برقرار است. بنابراین، هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد. پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه‌های الهی کنیم تا بیشتر دریابیم که:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است      دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود      هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار  
البته اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داشت. **پیام: (افزایش معرفت به خداوند باز میگرداند)**

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان      هر دو عالم بوز نور و دیده نابینا، چه سود؟  
توجه به یک نکته مهم **میکنی عملی ارزشمند است با سوال:**

همان‌طور که گفته شد، عمل بر اساس معرفت و آگاهی بسیار ارزشمندتر و مقدس‌تر از عملی است که در آن معرفتی نیست و یا با معرفت اندکی صورت می‌گیرد! **نمازی که با معرفت انجام بگیرد، نزد خداوند بسیار ارزشمندتر از نمازی است که به جا آورنده آن نمی‌داند چه می‌گوید و برای چه می‌گوید.** حتی گاه بیش می‌آید که انسان‌های نادان به تصور اینکه کار خیر می‌کنند، مرتکب گناهان بزرگ می‌شوند.

ذکر نمونه ..... **چه چاره‌هایی موجب سربلندی تاریخ اسلام عرض شود؟**

۱) در جنگ صفین، وقتی امام علی علیه السلام در آستانه پیروزی بر معاویه قرار گرفت و شکست لشکر معاویه قطعی شده بود، معاویه با پیشنهاد عمرو عاص به لشکریانش دستور داد که قرآن‌ها را بر سر نیزه کنند و فریاد بزنند که ما هر دو گروه مسلمانیم و باید قرآن میان ما و شما داور باشد. تعداد زیادی از لشکر امیر المؤمنین علیه السلام، فریب این نیرنگ را خوردند و حاضر به بیکار با معاویه نشدند و پیروزی حتمی را از دست دادند و امام را وادار به تسلیم و سپس قرارداد صلح با معاویه کردند. این کار مسیر تاریخ اسلام را عوض کرد و سبب شد که ده‌ها سال حکومت اسلامی به دست بنی‌امیه بیفتد و به جای حکومت عدالت، ظالمین بر مسلمانان حاکم شوند.

۲) در سال‌های اخیر، وقتی نهضت بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شد و مسلمانان برای آزادی از حکومت‌های مستبد و تابع غرب قیام کردند، سازمان‌های مخفی در آمریکا و اروپا و برخی حاکمان کشورهای اسلامی، یک جریان افراطی و انحرافی را که افکاری

۱- سعیدی، مواعظ، قصیده شماره ۲۵.  
۲- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

بسیار مخرب داشتند وارد قیام مسلمانان کردند. آنان نیز توانستند بسیاری از جوانانی را که فقط تعصب دینی داشتند اما از معرفت صحیح دینی بی بهره بودند، به سوی خود جذب کنند و با استفاده از این نیروهای با انگیزه اما ناآگاه جهت مبارزه را تغییر دهند و به جای مبارزه با دشمنان به کشتن مسلمانان در جهان اسلام بپردازند؛ در نتیجه، بسیاری از سرزمین های اسلامی در این جنگ ها و کشمکش ها به ویرانه تبدیل شد. رسانه های کشورهای استعماری هم از این فرصت استفاده کردند و خشونت های آنان را به نام اسلام در دنیا بخش نمودند، به طوری که تا امروزه بسیاری از مردم جهان وقتی نام اسلام را می شنوند آن را با سر بریدن، ویران کردن و جاهلیت مساوی می پندارند.

**حواشی** سخن است به دلیل بهالت نسبت، زوایای آن سالم و عدم آگاهی از سنجش آن است  
 زیاده روی خود و عدم احترام به خود و دیگران

اگر شخصی تصمیم بگیرد کاری را به خاطر خدا انجام دهد، اما نسبت به ارزش و عواقب آن کار معرفت نداشته باشد، چه نتیجه ای حاصل می شود؟

۲- تقویت روحیه حق پذیری: کسی که روحیه حق پذیری دارد و در مقابل حق تسلیم است به آسانی وارد مسیر بندگی می شود. زیرا افراد حق پذیر تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می روند. اما کسانی که راه دریافت حق را بر خود بسته اند و به جای پیروی از عقل، از هوی و هوس پیروی می کنند، وقتی خیرخواهی اطرافیان و دوستان را می شنوند، دست به انکار می زنند و با گفتن «دل نمی خواهد» راه رسیدن به حقیقت را بر خود می بندند. اینان توجه نمی کنند که دوتا، دل را به سوی خود دعوت می کند: ندایی از عقل و ندایی از هوس و این ندای هوس های زودگذر است که آنها بدان پاسخ گفته اند.

امیرالمؤمنین این رابطه را به زیبایی توضیح می دهد و می فرماید:

«عقل سپهسالار لشکر خدای رحمان است و هوی را هبر لشکر شیطان، و انسان کشیده شونده میان آن دو. پس هر یک از این دو چیره شود، انسان در جایگاه او قرار خواهد گرفت.»

عقل → دل ← هوی و هوس

۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او: نیاز و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص (غفلت از خداوند را کم می کند) محبت او را در قلب تقویت می کند.

۱- «الْعَقْلُ صَاحِبُ جَيْشِ الرَّحْمَنِ وَالْهَوَى فِائِدُ جَيْشِ الشَّيْطَانِ وَ النَّفْسُ مُتَجَادِبَةٌ بَيْنَهُمَا، فَأَيُّهُمَا غَلَبَ كَانَتْ فِي حَيْزِهِ» : غزوات عبدالواحد آمدی، ح ۲۰۹۹.  
 لا حیلوا راز و نیاز با خدا و کم خواستن از او مازار رسیدن به حقیقت بندگی اوست  
 می کنند

این که تصور وارد مسیر بندگی می شود  
 \* در کمال آسانی با افراد حق پذیر راه را از حق راد بوی هموار است



در انسان با بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.

۴- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات <sup>عدل</sup> گناه، ریشه درخت اخلاص و بندگی را می‌سوزاند و آن را به تدریج از بین می‌برد، به همین جهت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «تمام اخلاص در دوری از گناهان جمع شده است.»<sup>۱</sup>

از طرف دیگر، ترک گناه و توجه به واجبات و اطاعت از خداوند، درخت اخلاص را آبیاری می‌کند و رشد می‌دهد. در میان اعمال واجب، روزه تأثیر خاصی در تقویت اخلاص دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.»<sup>۲</sup>

نیایح و غیرت «اخصوس» در نزد انسان چیست؟  
۱- ۲- ۳- حکمت عینی صحیح انسان حکیم نیست؟  
میوه‌های درخت اخلاص

۱- دستیابی به درجاتی از حکمت: به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد و مانع لغزش‌ها و تباهی‌ها می‌شود. انسان حکیم، به درجانی از بصیرت و روشن بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود.<sup>۳</sup> خداوند در قرآن کریم، علاوه بر آنکه لقمان را به داشتن حکمت، توصیف کرده، سفارش‌های ارزنده و حکیمانه‌ای از ایشان نقل کرده است!<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پیام: دستیابی به حکمت و معرفت از نیایح میوه <sup>عدل</sup> اخصوس

«هرکس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.»<sup>۵</sup> آرزای در اخصوس پس در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

۲- نفوذ ناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان: اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود؛ چراکه شیطان، خود اقرار کرده است که توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد.<sup>۶</sup>

پرو این دام بر مرغی دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه<sup>۷</sup>

۱- «تمام الاخلاص تجتنب المعاصی» کنز الفوائد، محمد بن علی کراچکی، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۳- امیرالمؤمنین علی علیه السلام: عند تحقیق الاخلاص تنسیب البصائر؛ به هنگام تحقق اخلاص، چشم بصیرت انسان، روشنی می‌گیرد.

شهر الحکم، آمدی، حدیث ۶۲۱۱.

۴- سوره لقمان، آیه ۱۲.

۵- بحار الانوار، همان، ج ۶۷، ص ۲۴۳.

۶- سوره حجر، آیه ۴۰ و سوره ص، آیه ۸۳.

۷- غزلیات، حافظ، غزل شماره ۲۲۸.

پیام: نفوذ ناپذیری شیطان در افراد با اخصوس  
دوری از بوی فرستنی عدول اخصوس در عمل است.



مخلص = برات از این خلاص را اهل کرده است.  
 مخلص = از برات اولیا صدمی داشته و اکنون خداوند او را خالص برای خود برزیده است.  
 (در این حدیث از نفوذ شیطان منحرف است)

یکی از اوصافی که خداوند در قرآن برای حضرت یوسف علیه السلام ذکر کرده، داشتن اخلاص و رسیدن به مقام مخلصین است.

با بررسی آیات ۳۲ و ۳۳ سوره یوسف بگویند شیطان چه دامی برای حضرت یوسف علیه السلام گسترده بود و او چگونه توانست از این دام نجات یابد؟ **نماه بردن به سوی خدا**

شیطان امروزه نیز، از همان نوع دامی که برای کشاندن حضرت یوسف علیه السلام به گناه و فساد گسترده بود، به صورت های گوناگون برای انسان ها پهن کرده است تا هوس زودگذر آنها را تحریک کند به گناه بکشاند و آنان را از بهشت جاویدان محروم سازد. **فیلم ها، وبگاه ها، شبکه های ماهواره** همراه کننده، شبکه های مجازی ناسالم و گروه ها و دسته های منحرف اجتماعی از جمله این دام ها هستند که مقاومت در برابر آنها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان های او است. کسی که در چنین دام هایی گرفتار شود، هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد و

شیطان چگونه برای این دامی ارزانی را می بیند که هرگز است با کسی که نرسد و شود و میری را از دست خواهد داد

حیات پیرشار از شادکامی آخرت را. **در یافت باداش های وصف ناشدنی**: بندگی خالصانه خداوند نعمتی دارد که چه بسا در دم ما ننگجد و از تصور و تخیل ما فراتر رود.

از جمله این باداش های وصف ناشدنی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا تعبیر امیر مؤمنان، **انهایت آرزوی عارفان، دوست دل های صادقان، ولی مؤمنان و معبود عالمیان** است. کافی است به زندگی زیبای رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که چگونه از راه بندگی خالصانه خدا، این همه خوبی و زیبایی و مقام قرب و نزدیکی به محبوب را به دست آورده اند.

بندگی کن تا که سلطانت کنند	تن رها کن تا همه جانت کنند
همچو سلمان در مسلمانی بکوش	ای مسلمان تا که سلمانت کنند
خوی حیوانی سزاوار تو نیست	ترک این خو کن که انسانت کنند
چون نداری درد، درمان هم نخواه	درد پیدا کن که درمانت کنند
بنده شیطانی و داری امید	که ستایش همچو یزدانت کنند؟

۱- سوره یوسف، آیه ۲۴.  
 ۲- دعای کمیل.  
 ۳- خزائن الاشعار، سیدعباس جوهری.  
**پیام: نیای بندگی خداوند**  
**درد و غمغمه همعالی ناسی از تفکر در سستی بالاتر از**  
**زندگی روزمره (سال دوم)**